

در نشست «حوزه علمیه و ترجمه نهج البلاغه» بررسی شد

واکاوی ترجمه‌های فارسی نهج‌البلاغه

ترجمه‌اش در واقع ترجمه نیست؛ اما در ترجمه مترجمان حوزوی، این مدل ترجمه را نداریم و کاملاً به متن ملنزم هستند.
وی ادامه داد: با توجه به ارتباط عالمان دینی با زبان عربی، ترجمه‌های آنها نیز عربی‌گرایی افراطی دارد و تسلط و سیطره نحو زبان عربی مشاهده می‌شود که این امر، نشأت گرفته از عربی‌دانی آنها و التزام به متن نهج‌البلاغه است.



این پژوهشگر با بیان اینکه متن ترجمه فارسی خوش‌خوان را در غیرحوزویان شاهد هستیم، افزود: ترجمه محسن فارسی، اسدالله مبشری، جواد فاضل و داریوش شاهین، از ترجمه‌هایی هستند که وقتی یک ایرانی آنها را می‌خواند، لذت می‌برد و با آن ارتباط برقرار می‌کند.
وی اظهار کرد: ترجمه پویا و ارتباط‌محور به دنبال این است که پیام متن مبدأ را به بهترین شکل در متن مقصد بازآفرینی شود و به‌خوبی ارتباط برقرار کند؛ اما در ترجمه حوزوی، نویسنده‌محوری را شاهد هستیم و خواننده‌محوری نمی‌بینیم.
خنفرزاده، با اشاره به نگاه غیرتخصصی به ترجمه، بیان کرد: ترجمه فعالیت پیچیده، چندوجهی و آمیزه‌ای از هنر، علم و تخصص هست و امروز رشته‌های مطالعات ترجمه، مطالعات ترجمه داریم؛ اما در حوزه علمیه، نگاه به ترجمه، یک نگاه سنتی است که گویی، نیاز به تخصص ندارد؛ به‌همین خاطر به‌صورت فردی ترجمه می‌کنند.

مؤثر است.
این پژوهشگر ادامه داد: مرحوم فیض‌الاسلام مانند بسیاری از حوزوی‌های دیگر، نثرش تحت تأثیر قواعد دستوری زبان عربی هست؛ اما در ترجمه مرحوم دشتی این امر را نمی‌بینیم و این ترجمه، دارای نثری است که راحت فهمیده می‌شود.
وی در رابطه با ترجمه استاد حسین انصاریان، گفت: جنبه تبلیغی استاد انصاریان برجسته‌تر است؛ اما ایشان آثار متعددی در زمینه تحقیق، تألیف و ترجمه از جمله ترجمه قرآن و نهج‌البلاغه دارند.
خنفرزاده با بیان اینکه ترجمه حسین انصاریان نسبت به دیگر ترجمه‌ها، کمترین میزان لغزش و سهو علمی را دارد، اضافه کرد: ترجمه وی توسط یک مترجم دیگر که از ناقدان و خیرگان فن هست، ویرایش شده است.
وی اظهار کرد: صدرالدین باطنی، عمران علیزاده، سید عبدالمطلب حسینی شیرازی، عبدالحجیم عقیقی بخشایشی، محمدعلی شرقی، علی شیروانی، عبدالمجید معادی و سیدکاظم ارفع، از دیگر حوزویانی هستند که دست به فارسی‌سازی و ترجمه نهج‌البلاغه زدند.

این پژوهشگر بیان کرد: مرحوم آینی، فیض قمی، محمدجواد شریعت و شهیدی، از شخصیت‌های حوزوی و دانشگاهی هستند که نهج‌البلاغه را ترجمه کرده‌اند. این افراد آموزش و تحصیلات اولیه‌شان را در حوزه علمیه و دوره‌های بعدی را در دانشگاه سپری کردند؛ لذا انتصاب اینها را به حوزه علمیه نمی‌توان نفی کرد.
وی با بیان اینکه در ترجمه نهج‌البلاغه، تلاش‌های فردی صورت گرفته است و کمتر شاهد ترجمه‌های گروهی هستیم، گفت: التزام به کلیت متن، از ویژگی‌های ترجمه‌های حوزوی است و مترجمان حوزوی، به متن و ساختاری که سیدرضی چیده است، ملنزم هستند و چیزی به نام شرح و برداشت آزاد ندارند.
خنفرزاده بیان کرد: مثلاً در بعضی از مترجمین نهج‌البلاغه، مثل جواد فاضل، ترجمه‌ای بسیار آزاد از نهج‌البلاغه به‌همراه نثری روان دارد؛ اما از نظر متخصصان،

تاریخی و نقطه عطف است و حلقه انتقال از ترجمه‌های کهن به دوران ترجمه‌های جدید محسوب می‌شود، افزود: تا پیش از او کتاب شریف نهج‌البلاغه، فاقد شرح و ترجمه‌ای کامل و عمومی برای فارسی‌زبانان بود و ترجمه فیض‌الاسلام در میان عموم طبقات جا باز کرد. این اثر به‌لحاظ تاریخی، از مهمترین اتفاقات در حوزه برگردان نهج‌البلاغه به فارسی در سده گذشته به‌شمار می‌رود.
وی بیان کرد: محمدعلی انصاری قمی، نهج‌البلاغه را به نثر و نظم در پنج جلد ترجمه کرده است که این کار، برای اولین بار در این قرن صورت گرفته است و نام این کتاب، نهج‌البلاغه منظوم است.

خنفرزاده با بیان اینکه سیدمحمود طالقانی، فیض‌الاسلام و محمدعلی انصاری قمی ^{رحمه‌الله}، پیشگامان ترجمه نهج‌البلاغه در عصر معاصر هستند، اظهار کرد: در دهه‌های میانی یعنی از سال‌های ۱۳۳۰ تا ۱۳۴۷، ترجمه‌های متعددی از نهج‌البلاغه توسط حوزویان و غیرحوزویان صورت گرفت.

وی در رابطه با ترجمه مرحوم دشتی بیان کرد: ترجمه مرحوم محمد دشتی در دهه‌های اخیر، از رایج‌ترین ترجمه‌های نهج‌البلاغه است و بارها به چاپ رسیده است. این پژوهشگر عنوان‌گذاری‌های متعدد را از ویژگی‌های ترجمه محمد دشتی دانست و تصریح کرد: تیتراژهای برای متن‌های قدیمی، باید با احتیاط انجام شود؛ زیرا تیتراژی باعث برچسب‌زنی به متن می‌شود.

وی ادامه داد: متن حدیث حساس است و برای خودش، دلالتی دارد و اگر بخواهیم، محتوا را تیتراژی کنیم و در یک تیترا خلاصه کنیم، کار آسانی نیست و باید با احتیاط انجام شود و افراط در تیتراژی آسیب‌هایی دارد.
خنفرزاده اضافه کرد: در ترجمه مرحوم دشتی، ۱۵۰۰ عنوان در نام‌گذاری خطبه‌ها، نامه‌ها و حکمت‌ها و ۲۷۲ مورد در درون متن عنوان‌دهی شده است.
وی اظهار کرد: کیفیت خوب ترجمه، یکی از دلایل اقبال عمومی است و عللی مانند قیمت پایین کتاب، توزیع گسترده، نثر روان و... در رواج و اقبال عمومی به یک کتاب



وی با بیان اینکه در دوره معاصر، شاهد اقبال به نهج‌البلاغه هستیم، تصریح کرد: فراوانی ترجمه‌های این کتاب در سده گذشته، مروهن عوامل متعددی از جمله گسترش صنعت چاپ و آسانی نشر، نوگرایی و ورود عالمان به عرصه سیاست، اقبال عمومی به نهج‌البلاغه، ظهور جنبش‌های سیاسی و آزادی‌خواهانه در ایران، وجود مفاهیم و موضوعات سیاسی در نهج‌البلاغه (به‌خصوص در عهدنامه مالک اشتر) و موج بازگشت به متون دینی است؛ البته ترجمه‌های صورت‌گرفته همه دارای رتبه برابر نیستند.
خنفرزاده بیان کرد: آیت‌الله سیدمحمود طالقانی ^{رحمه‌الله} اولین کسی بود که در قرن حاضر نهج‌البلاغه را ترجمه کرد؛ البته این ترجمه کامل نبود و بعد از ایشان، شاگردش محمدمهدی جعفری این ترجمه را تکمیل و ویرایش کرد و در سه جلد به چاپ رسید که از ویژگی‌های این ترجمه، می‌توان به ترجمه ساده آن اشاره کرد.

وی اضافه کرد: مرحوم فیض‌الاسلام، دومین روحانی عصر حاضر است که دست به ترجمه نهج‌البلاغه زد که نخستین ترجمه کامل حوزویان در عصر حاضر است که تأثیر زیادی در تاریخ معاصر نهج‌البلاغه دارد.

این پژوهشگر با بیان اینکه ترجمه ایشان، یک رویداد

محمد خنفرزاده گفت: ترجمه پویا و ارتباط‌محور به دنبال آن است که پیام متن مبدأ به بهترین شکل در متن مقصد بازآفرینی شود و به‌خوبی ارتباط برقرار کند.
به گزارش خبرگزاری حوزه، دکتر محمد خنفرزاده در نشست «حوزه علمیه و ترجمه نهج‌البلاغه» از سلسله نشست‌های یکصدمین سال بازتأسیس حوزه علمیه قم، عنوان کرد: حوزه علمیه از گذشته توجه فراوانی به نهج‌البلاغه داشته است و شرح‌ها و ترجمه‌های مختلف حوزویان، نشان از اهمیت و جایگاه این کتاب در بین حوزویان دارد.

وی بیان کرد: تقریباً بیش از ۸۰ ترجمه فارسی از نهج‌البلاغه داریم که نیمی از این عناوین، متعلق به کسانی است که وابسته به نهاد حوزه علمیه یا برآمده از حوزه علمیه بودند که این آمار، نشان‌دهنده اهتمام حوزه‌های علمیه به نهج‌البلاغه است.

این پژوهشگر با بیان اینکه سیر تاریخی ترجمه نهج‌البلاغه به دو دوره گذشته‌های کهن و دوره معاصر تقسیم می‌شود، اظهار کرد: در دوره گذشته‌های کهن، شاهد آثاری از جلال‌الدین حسین اردبیلی، علی‌بن حسن زواره‌ای، عزیرالله جوینی و... هستیم.

سیری بر تاریخچه و تحولات ترجمه در حوزه علمیه قم

جامعه هدف وسیعی را دارد و به ۲۷ زبان آسیایی، ۹ زبان آفریقایی و ۲۰ زبان اروپایی (آلبانیایی، آلمانی، اسپانیولی، اسپانیولی، انگلیسی، ایتالیایی، بلغاری، بوسنیایی، پرتغالی، دانمارکی، روسی، سوندی، فرانسوی، فنلاندی، گرجی، لهستانی، نورژی) ترجمه کرده است.

مرادی با بیان اینکه مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی که بیشتر درصد تولید اندیشه‌های تقریبی است و در این زمینه نیز، ۲۹ اثر را ترجمه کرده‌اند، اضافه کرد: مرکز ترجمان وحی به‌صورت ویژه به ترجمه قرآن می‌پردازد و ترجمه‌های قرآن، از کل دنیا را جمع‌آوری کردند که یک کتابخانه غنی است.

وی با تأکید بر اینکه کار این مرکز فقط ترجمه قرآن به زبان‌های مختلف است، گفت: در این مرکز تاکنون قرآن را به ۱۵ زبان غیرفارسی و غیرعربی ترجمه کرده‌اند که از جمله آنها اسپانیولی، اردو، انگلیسی، اوگاندایی، پشتو، ترکی استانبولی و آذربایجانی و عراقی، چینی، روسی، ژاپنی، فرانسوی و گرجی است.

این پژوهشگر عنوان کرد: واحد ترجمه مؤسسه علمی فرهنگی دارالحديث نیز، تاکنون ۷۰ آثار دارالحديث را به زبان‌های مختلف ترجمه کرده است که اکثر آنها، آثار حدیثی یا دانشنامه‌ای است که از جمله آنها دانشنامه امام حسین ^{علیه السلام}، دانشنامه امام ^{علیه السلام}، دانشنامه امام مهدی ^{علیه السلام} و دانشنامه قرآن و حدیث است که برخی، به یک زبان و برخی، به چند زبان ترجمه شده‌اند.

وی با بیان اینکه پژوهشگاه علوم فرهنگ اسلامی تاکنون بیش از ۵۰ اثر پژوهشی را ترجمه کرده است، اضافه کرد: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی نیز، طبق گزارشی که منتشر کرده، هشت اثر را تاکنون ترجمه کرده است.

مرادی ادامه داد: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ^{علیه السلام} نیز ۲۸ ترجمه گوناگون دارد که این آثار در زمینه روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، کیهان‌شناسی، فلسفه و عرفان، تربیت و اقتصاد است.
وی با بیان اینکه تقریباً همه آثار مرحوم آیت‌الله مصباح یزدی ترجمه شده است، عنوان کرد: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه نیز، بیش از ۱۰۰ اثر را به زبان‌های انگلیسی، عربی، فرانسوی، بوسنیایی، اردو، ترکی آذری و استانبولی، روسی، آلمانی، چینی، اسپانیولی و... ترجمه کرده است.
این استاد دانشگاه، با اشاره به اینکه دبیرخانه گفتمان انقلاب اسلامی، از دیگر مؤسساتی است که به کار ترجمه مشغول است، بیان کرد: در لبنان نیز، مرکزی به‌نام مرکز «مرکز الحضارة لتنمية الفكر الإسلامي» تأسیس شده است تا آثار اندیشمندان مسلمان را از زبان فارسی به زبان عربی ترجمه کند و می‌توان بیان کرد که هدف‌گذاری این مرکز این است که میراث تمدنی ایران در حوزه اندیشه را به زبان عربی ترجمه کنند.

وی با بیان اینکه برخی از آثار، توسط چند مؤسسه ترجمه شده است و هم‌پوشانی وجود دارد، گفت: در سده اخیر از نقطه‌ای نزدیک به صفر شروع کردیم و در حال حاضر به‌لحاظ زبان ترجمه، آثار ترجمه‌شده و موضوعات گوناگون، دامنه‌ای گسترده در ترجمه داریم و امیدوار هستم که در تجربیات اندوخته‌شده، یک بازنگری و تحلیلی صورت بگیرد و با برنامه‌ریزی در این زمینه قدم برداشته شود.

مرادی یادآور شد: در این زمینه باید برنامه‌ریزی شود تا ببینیم، نیاز است که چه اثری، در کجا و با چه ویژگی باید ترجمه شود؛ همچنین باید نسبت به نگاه انحصارگرایانه به حوزه ترجمه در مؤسسات، بازنگری صورت بگیرد.

این استاد دانشگاه تصریح کرد: در بازه زمانی دوم، مخاطبان ترجمه گسترده شدند؛ یعنی زبان مقصد متنوع شد و در حال حاضر، به حدود ۱۵۰ زبان ترجمه صورت می‌گیرد که این کار، اغلب از سوی نهاده‌ها و مؤسسات علمی وابسته به حوزه علمیه انجام می‌شود؛ یعنی با فارغ‌التحصیلان حوزه، آن را تأسیس کردند یا از سوی حوزویان مدیریت می‌شود.

وی ادامه داد: زبان انگلیسی، اردو، اندونزیایی، مالایی، هندو، آلبانیایی، فرانسوی، اوکراینی، قزاقستانی، هوسایی، نیجری، تانزانیایی، تاجیک، افغانستانی، ترکی آذری و ترکی استانبولی، اوغوری، لهستانی، صربستانی، ویتنامی، کامبوجی و گرجی از جمله این زبان‌هاست که نشان از تحول عمیق صورت‌گرفته دارد.

این پژوهشگر، با تأکید بر اینکه ارزیابی کیفیت کار و آثار و چگونگی بازخورد آن، نیاز به بررسی و پژوهشی جدا دارد، بیان کرد: اگرچه حوزه علمیه، برنامه‌ای برای تربیت مترجم متخصص دین نداشته است؛ اما مؤسسانی که به سراغ ترجمه رفتند، طلبه‌های توانمندی را پیدا کردند که دین خوانده بودند و اصطلاحات دینی را می‌شناختند و می‌توانستند، متون دینی را کاملاً بفهمند و به زبان دوم برگردانند.

عرصه‌های ترجمه

وی اظهار کرد: کتاب‌های حدیثی متعددی ترجمه شدند و می‌توان گفت که کتب حدیثی قابل توجهی وجود ندارد که ترجمه نشده باشد و تقریباً همه آثار حدیثی تولیدشده در دارالحديث، به زبان‌های مختلف ترجمه شده است؛ البته آثار بزرگی مانند وسائل الشیعه، جامع احادیث شیعه یا بحارالانوار به‌خاطر حجم زیادی که دارند، به‌دلیل هزینه بسیار، امکان ترجمه کاملشان نیست.

مرادی اضافه کرد: موضوع فقه، اصول، حقوق، اخلاق، تربیت، عرفان و ادعیه، کلام و عقیده، فلسفه و عرفان، ادبیات و شعر، اجتماعیات، آیین و رسوم (مناسک اجتماعی)، سیاست، اقتصاد و امور مالی، طب و پزشکی، تراجم و شرح احوالات بزرگان تاریخ اسلامی یا بزرگان حوزه‌های علوم دینی، از جمله موضوعات ترجمه است که نشان می‌دهد، عرصه گسترده‌ای را در دید جهانپان قرار دادیم و چقدر میراث فکری و تمدنی برای عرضه داریم.

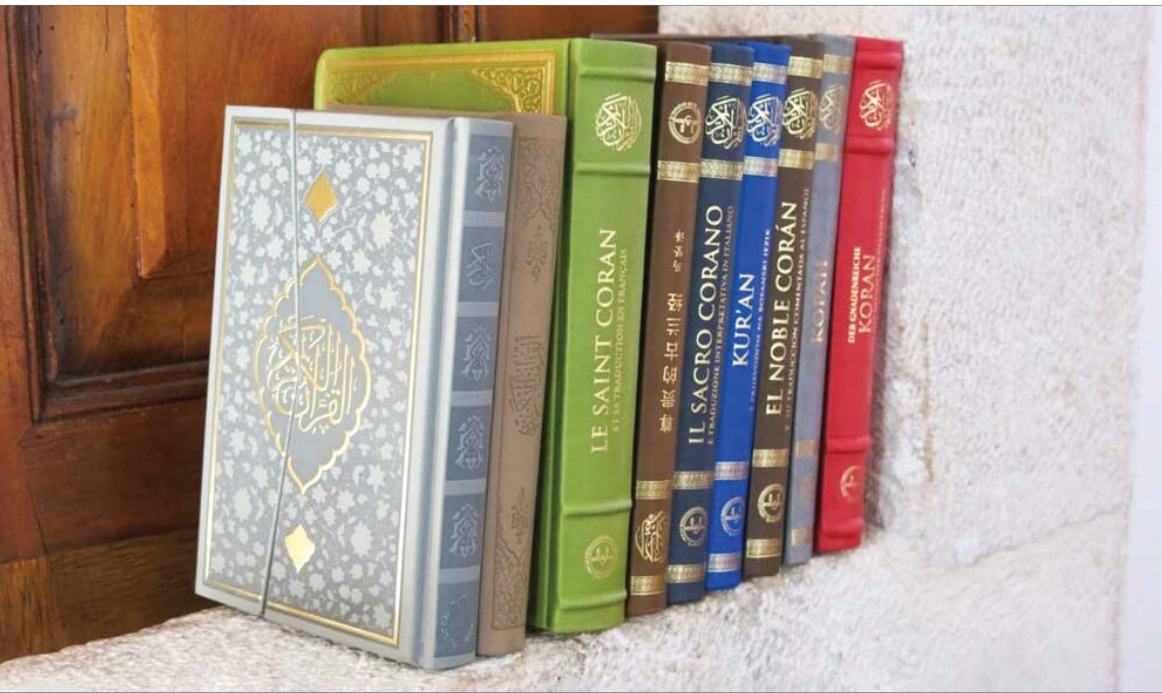
• مراکز ترجمه

وی با بیان مراکز ترجمه‌ای به دو بخش خصوصی و حاکمیتی (حوزوی) تقسیم می‌شوند، اضافه کرد: بخش خصوصی متأسفانه کوچک است. محمدتقی انصاری از جمله افرادی است که از دهه ۵۰ در بخش خصوصی فعال است و در این زمینه، بسیار موفق عمل کرده است. اندیشه اشراق، در حوزه زبان اسپانیولی و انتشارات جمال در زمینه کودک، دو مؤسسه خصوصی دیگر هستند که در این زمینه موفق کار کردند.

• نهاد‌های حوزوی ترجمه

این استاد دانشگاه گفت: جامعة المصطفی که یک نهاد آموزشی و پژوهشی است که در بسیاری از کشورها نیز مراکزی دارد و از جمله مراکز حوزوی است که در عرصه ترجمه نیز فعال است و بر اساس آماری که در وب‌سایت این نهاد آموزشی و پژوهشی آمده است، حدود ۱۳۰۰ کتاب پژوهشی منتشر شده است که ۵۴۵ کتاب آموزشی و ۷۶ کتاب دوره‌ای دارند و ۸۵۰ کتاب نیز ترجمه کردند.

وی افزود: مجمع جهانی اهل بیت ^{علیهم السلام} نیز، یکی از پرکارترین نهاده‌های ترجمه دین در حوزه علمیه قم است که حدود ۱۵۰۰ کتاب در زمینه‌ها و رده‌های گوناگون کودکان، زنان، دانشگاهیان و... ترجمه کرده است و



نشست ترجمه متون دینی در سده معاصر حوزه علمیه قم، از سلسله

نشست‌های یکصدمین سال بازتأسیس حوزه علمیه قم برگزار شد.
به گزارش خبرگزاری حوزه، دکتر محمد مرادی در این نشست عنوان کرد: در گذشته طلاب در حوزه‌های علمیه برای آشنایی با دین، آثار زبان عربی را می‌خواندند؛ زیرا زبان دین، عربی بوده است.

وی با بیان اینکه رواج فارسی‌نویسی به حدود ۵۰ تا ۶۰ سال پیش به حوزه علمیه قم برمی‌گردد، ادامه داد: در گذشته سنت کتاب‌نویسی در حوزه‌های علمیه به زبان عربی بود و بسیاری از عالمان دینی، وارد فارسی‌نویسی نمی‌شدند؛ به‌دلیل اینکه متهم می‌شدند، مثلاً عربی بلد نیستند یا سواد زیادی ندارند؛ اما در حوزه علمیه قم، مجلاتی راه‌اندازی شد و به‌تدریج امر فارسی‌نویسی در میان طلبه‌های حوزه علمیه رواج پیدا کرد و این فارسی‌نویسی باعث شد، افرادی به سمت ترجمه متون عربی بروند.

این استاد دانشگاه افزود: در نیمه اول قرن معاصر، یعنی از سال ۱۳۰۱ تا سال ۱۳۵۷ حدود ۶۰ مترجم طلبه و عالم دینی در حوزه علمیه شناسایی کردم که به‌طور میانگین، هر مترجمی حدود ۳ تا ۴ اثر ترجمه کرده است؛ البته برخی، تعداد آثار ترجمه‌شده بیشتر یا کمتری دارند؛ مثلاً مرحوم

کمره‌ای یا مرحوم خسروشاهی، تقریباً حدود ۲۰ اثر ترجمه کردند.

وی با اشاره به اینکه آثار ترجمه‌شده در نیمه اول سده اخیر، اغلب از زبان عربی به زبان فارسی بوده است، تصریح کرد: اما ترجمه از زبان فارسی به زبان عربی بسیار نادر بوده است؛ درحالی‌که از زبان عربی به زبان فارسی، ترجمه‌های زیادی بوده است و از جمله این ترجمه‌ها، ترجمه آثار مصری است.
مرادی اضافه کرد: ترجمه آثار مصری، از شروع انقلاب اسلامی یا نهضت حضرت امام ^{علیه السلام} آغاز می‌شود و بسیاری از طلبه‌های انقلابی و اجتماعی، به سراغ ترجمه آثار اسلام سیاسی و اسلام اجتماعی رفتند که اغلب در مصر نوشته می‌شده است.

وی اظهار کرد: ترجمه دینی در حوزه علمیه، اغلب بر محور قرآن و حدیث یا تفسیر قرآن شکل گرفته است و در آن دوران، دو تفسیر مجمع‌البیان و المیزان ترجمه شدند.
این استاد دانشگاه ادامه داد: در آن دوران، اغلب کتاب‌هایی مانند نهج‌البلاغه، صحیفه سجاده‌یه، بخش اصول و فروع کافی، مفاتیح‌الجنان